

The Impact of Gender Inequality, Good Governance and Their Interaction Effects on Human Development: Evidence from Countries with High Human Development¹

Simin Ghaderi²

Received: 2024/12/23

Accepted: 2025/04/20

Abstract

Good governance is an important factor in achieving sustainable development; And directly affects human development through production, education and health, but the existence of inequalities, especially Gender Inequality, which persists even in developed countries—remains an obstacle to achieving human development. Therefore, the purpose of this study is to investigate the effects of gender inequality, good governance and their interaction effects on human development. The present descriptive-analytical and applied study was conducted with the panel data regression method with the generalized least squares estimator at the international level for countries with high human development. The data were of the panel type for the period 2000–2022, which were extracted from the World Bank and United Nations databases. The Pesaran test was used to examine cross-sectional dependence, the Pesaran unit root test was applied to assess the stationarity of the variables, and the Westerlund bootstrap cointegration test was employed to investigate cointegration relationships. The estimation of the research model and the required tests were performed using in Stata 17 software. The results of the model estimation showed that good governance had a positive effect and the interaction between good governance and gender inequality had a negative effect on the human development index. The negative effect of the interaction term was smaller than that of gender inequality alone, indicating that good governance can mitigate the adverse impact of gender inequality. Health expenditures, per capita GDP, trade openness, and the urbanization rate had positive effects on the human development index in the sample countries, whereas the inflation rate had a negative effect. Therefore, policies aimed at reducing gender inequality and improving good governance are recommended. In this regard, the implementation of transparent laws, ensuring economic security and stability, and attracting private investment are suggested to enhance governance, while policies promoting women's empowerment in political, economic, and social dimensions are proposed to reduce gender inequality.

Keywords: Gender Inequality, Good Governance, Human Development Cross-Sectional Dependence.

JEL Classification: D63, O16, O15, C21.

1. doi: 10.22051/JFM.2025.49313.1451

2. Assistant Professor of Economic, Faculty of Management and Human Science, Chabahar Maritime University, Chabahar, Iran. Corresponding Author. Email:shahraki@cmu.ac.ir.

مقاله پژوهشی

تأثیر نابرابری جنسیتی، حکمرانی خوب و اثرات متقابل آن‌ها بر توسعه انسانی: شواهدی از کشورهای با توسعه انسانی بالا^۱

سیمین قادری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳

چکیده

حکمرانی خوب عامل مهم در تحقق توسعه پایدار است و به‌طور مستقیم از طریق تولید، آموزش و سلامت بر توسعه انسانی تأثیرگذار است؛ اما وجود نابرابری‌ها به‌خصوص نابرابری جنسیتی که هنوز در همه کشورها حتی کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد، مانعی برای تحقق توسعه انسانی است؛ لذا هدف این مطالعه بررسی تأثیرات نابرابری جنسیتی، حکمرانی خوب و همچنین اثرات متقابل آن‌ها بر توسعه انسانی است. مطالعه توصیفی-تحلیلی و کاربردی حاضر با روش رگرسیون پانل دیتا با برآوردگر حداقل مربعات تعمیم‌یافته در سطح بین‌المللی برای کشورهای با توسعه انسانی بالا انجام شد. داده‌ها از نوع پانل دیتا برای سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۲۲ بود که از پایگاه داده‌های بانک جهانی و سازمان ملل متحد استخراج شدند. آزمون پسران برای بررسی وابستگی مقطعی، آزمون ریشه واحد پسران برای پایداری متغیرها و آزمون هم‌جمعی بوت‌استرپ و سترلوند برای بررسی هم‌جمعی استفاده شد. برآورد مدل تحقیق و آزمون‌های موردنیاز در نرم‌افزار Stata 17 صورت گرفت. نتایج برآورد مدل نشان داد که حکمرانی خوب تأثیر مثبت و نابرابری جنسیتی و اثرات متقابل حکمرانی خوب و نابرابری جنسیتی تأثیر منفی بر شاخص توسعه انسانی داشتند. تأثیر منفی اثرات متقابل از تأثیر منفی نابرابری جنسیتی کمتر بود که نشان داد حکمرانی خوب می‌تواند تأثیر منفی نابرابری جنسیتی را کاهش دهد. مخارج سلامت، تولید ناخالص داخلی سرانه، شاخص باز بودن تجاری و نرخ شهرنشینی تأثیر مثبت و نرخ تورم تأثیر منفی بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای نمونه داشت؛ لذا سیاست‌هایی جهت کاهش نابرابری جنسیتی و بهبود حکمرانی خوب پیشنهاد می‌گردد که در این راستا سیاست‌های ایجاد و اجرای قوانین شفاف، امنیت و ثبات اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری خصوصی جهت بهبود حکمرانی و سیاست‌های توانمندسازی زنان در ابعاد سیاسی اقتصادی و اجتماعی جهت کاهش نابرابری جنسیتی پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: نابرابری جنسیتی، حکمرانی خوب، توسعه انسانی، وابستگی مقطعی.
طبقه‌بندی موضوعی: C21, O15, O16, D63

۱. DOI مقاله: 10.22051/JFM.2025.49313.1451

۲. استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت و علوم انسانی، دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار، چابهار، ایران.

نویسنده مسئول: Email:siminhaderi@yahoo.com

مقدمه

تا قبل از دهه ۱۹۷۰ توسعه اقتصادی برحسب درآمد سرانه ارزیابی می‌شد با این فرض که با بالا رفتن درآمد سرانه، وضع مردم در تمام جوانب بهتر خواهد شد. با چنین تعریفی از توسعه، رشد اقتصادی به‌عنوان محور اساسی توسعه و رفاه جامعه در نظر گرفته می‌شد اما عوامل مختلفی را که منجر به ایجاد تفاوت در فرصت‌های واقعی افراد می‌شد را نادیده می‌گرفت (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۳). با رفع این نواقص سازمان ملل معیاری با عنوان شاخص توسعه انسانی^۱ (HDI) را برای اندازه‌گیری رفاه مطرح کرد (شهرکی و قادری، ۱۴۰۰). شاخص توسعه انسانی سه بعد طول عمر توأم با سلامتی، دانش و استانداردهای زندگی دارد که برای هر بعد از متغیرهای خاصی استفاده می‌شود. برای بعد طول عمر توأم با سلامتی از متغیر امید به زندگی در بدو تولد، برای بعد دانش از متغیرهای متوسط سال‌های تحصیل و متوسط سال‌های مورد انتظار تحصیل و برای بعد استانداردهای زندگی از درآمد ناخالص ملی استفاده می‌شود. شاخص هر بعد بر اساس متغیرهای بیان‌شده محاسبه می‌شود و در نهایت بر اساس میانگین هندسی سه شاخص امید به زندگی، آموزش و درآمد ناخالص ملی شاخص توسعه انسانی محاسبه می‌شود. مقدار این شاخص بین صفر و یک است و هر قدر به سمت یک نزدیک شود، بیانگر توسعه‌یافتگی نیروی انسانی یک کشور است (سازمان ملل، ۲۰۲۳).

عوامل بسیاری بر توسعه انسانی تأثیرگذارند اما موضوعی که اخیراً بسیار مورد توجه سیاست‌گذاران است، بحث حکمرانی خوب و تأثیر آن بر توسعه است. توسعه به‌عنوان هدف و وضعیتی که جوامع خواهان دستیابی به آن هستند و حکمرانی خوب به‌عنوان الگوی مطلوب حکومت و دولت است. آنچه در حکمرانی خوب حائز اهمیت است، ارتباط سه حوزه دولت، بخش خصوصی و جامعه است که اگر چنین وضعیتی رخ دهد، حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه شکل می‌گیرد؛ پس جامعه‌ای که به لحاظ شاخص‌های حکمرانی خوب دارای وضعیت مناسبی باشد، امکان تعامل و ارتباط سه حوزه دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی با همدیگر بیشتر است. در نتیجه امکان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در راستای بهبود و ارتقای وضعیت توسعه در آن جامعه میسر خواهد بود (ظهیری و همکاران، ۱۴۰۱). نتایج حکمرانی خوب که سازمان ملل در نظر گرفته است مانند کاهش فقر، کاهش شاخص نابرابری جنسیتی^۲ (GII) و برابری حقوق زنان، افزایش آگاهی و حفاظت محیط‌زیست و افزایش اشتغال این نظریه را تقویت می‌کند که حکمرانی خوب لازمه رسیدن به توسعه پایدار است؛ زیرا ویژگی‌های حکمرانی خوب به‌نوعی در شاخص‌های توسعه متبلور شده و تحقق حکمرانی، تحقق بخشی از اهداف توسعه نیز هست (ظهیری و همکاران، ۱۴۰۱).

حکمرانی خوب نقش مهمی در میزان سازمان‌دهی، ثبات اقتصادی، نظام حقوقی، آموزش، بهداشت، حفاظت از محیط‌زیست، ایجاد فضای کسب‌وکار خوب و بسیاری از حوزه‌های دیگر دارد (استیلیانو و همکاران^۳، ۲۰۲۳). حکومت‌داری ضعیف می‌تواند پیشرفت اقتصادی و توسعه انسانی را به دلیل حاکمیت بی‌فایده قانون، بی‌ثباتی سیاسی و کنترل فساد به تأخیر بیندازد. اگر کشورها بخواهند رفاه مردم خود را

1. Human Development Index
2. Gender Inequality
3. Stylianou *et al.*



افزایش دهند، دولت‌ها باید تکامل اقتصادی و توسعه انسانی خود را پیش ببرند. حکمرانی خوب مؤلفه اصلی برای افزایش رشد اقتصادی و ارتقای توسعه انسانی در هر اقتصادی است. حضور حکمرانی خوب به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه حیاتی است (استیلیانو و همکاران، ۲۰۲۳). حکمرانی خوب، نابرابری درآمدی را کاهش می‌دهد و کاهش نابرابری درآمدی منجر به ارتقای توسعه انسانی می‌شود، به همین دلیل بهبود حکمرانی خوب از طریق ارتقای مؤثر بازارهای کار، بهبود ظرفیت اجتماعی-اقتصادی برای مدیریت بیکاری، نابرابری درآمدی و نابرابری جنسیتی برای افزایش شاخص توسعه انسانی مؤثر است (سارکودی و ادامز، ۲۰۲۰).

افزایش نابرابری‌ها و پراکندگی در هر دو گروه کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه وجود دارد. اگرچه تحولات عظیمی در فناوری، دانش، سلامت، ایجاد هنجار و تعیین اهداف برابری جنسیتی وجود دارد، اما توسعه و پیشرفت هنوز مورد بحث است (گوک و گوک، ۲۰۲۳). بر اساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد، هنوز ۳۲/۳ درصد شکاف بین زنان و مردان در زمینه آموزش، بهداشت، اشتغال و رهبری سیاسی وجود دارد. مهم‌تر از آن، به‌طور متوسط، شکاف جنسیتی جهانی در سال ۲۰۲۱ تقریباً ۰/۶ درصد نسبت به سال ۲۰۲۰ افزایش یافته است. تخمین زده می‌شود که برای از بین بردن این شکاف، اروپای غربی به ۵۲/۱ سال، آمریکای شمالی ۶۵/۵ سال و آمریکای لاتین و دریای کارائیب به ۶۸/۹ سال نیاز دارند. بیش از ۱۰۰ سال طول خواهد کشید تا شکاف جنسیتی در تمام مناطق دیگر از بین برود (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۲۱).

رونق اقتصادی به بهبود برابری جنسیتی کمک می‌کند، اما برخی از شکاف‌های جنسیتی بدون توجه به منطقه و موقعیت جغرافیایی در برابر تغییر مقاوم هستند. تداوم حضور ناکافی زنان در کشورهای درحال توسعه و کشورهای دموکراتیک جهان، نگرانی‌های قابل توجهی را در مورد برابری سیاسی ایجاد می‌کند (گوک و گوک، ۲۰۲۳). بر اساس گزارش توسعه انسانی ۲۰۲۰ سازمان ملل، نابرابری جنسیتی با ایجاد نابرابری در ظرفیت و امکانات اقتصادی اجتماعی منجر به کاهش توسعه انسانی شده است. در خصوص اهمیت نابرابری جنسیتی بر توسعه انسانی، نه تنها ۴۵ هدف و ۵۴ شاخص خاص اهداف توسعه پایدار سازمان ملل به‌طور مستقیم با جنسیت مرتبط است، بلکه اثرات این نابرابری‌ها نیز با تمام ابعاد توسعه مرتبط است (سازمان ملل، ۲۰۲۳).

تأثیر فقر و عدم دسترسی به فرصت‌های مالی، پزشکی و آموزشی بر زنان بیشتر از مردان است. همچنین سلامتی و به‌زیستی در نتیجه نابرابری جنسیتی آسیب‌پذیر است. اضطراب، غم و اندوه و علائم اختلال و استرس ناشی از تروما تنها تعدادی از مشکلات سلامت روانی و جسمی است که تبعیض و خشونت بر اساس جنسیت می‌تواند ایجاد کند (جیواناسای و همکاران، ۲۰۲۳). علاوه بر این، زنان اغلب از فرآیندهای تصمیم‌گیری مرتبط با سلامت کنار گذاشته می‌شوند که می‌تواند منجر به برنامه‌ها و سیاست‌هایی شود که

1. Sarkodie & Adams
2. Gök & Gök
3. Jeevanasai *et al.*

تقاضا و نیازهای آن‌ها را برآورده نکند و وضعیت اجتماعی آن‌ها را در بعد سلامت و آموزش تحت تأثیر قرار دهد و از این مکانیسم، توسعه انسانی جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. نابرابری جنسیتی به سوء تغذیه مادران دامن می‌زند و تعداد نوزادان کم‌وزن هنگام تولد و کودکان با سوء تغذیه را در هر دو جنس افزایش می‌دهد (بریندا و همکاران^۱ ۲۰۱۵؛ اقبال و همکاران^۲، ۲۰۱۸؛ مارفاتیا و همکاران^۳، ۲۰۱۶). سوء تغذیه و بیماری‌های عفونی مرتبط با آن شاخص مرگ‌ومیر کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این‌رو نابرابری جنسیتی یکی از مهم‌ترین عوامل اجتماعی تعیین‌کننده سلامت و به تبع توسعه انسانی است. پیامدهای نابرابری جنسیتی بسیار گسترده است و علاوه بر آسیب رساندن به سلامت افراد جامعه، مانع رشد اقتصاد جهانی و توسعه اجتماعی می‌شود (بریندا و همکاران، ۲۰۱۵). از این‌رو بررسی تأثیر آن بر وضعیت توسعه انسانی جامعه بسیار ضروری و مهم است.

با توجه به نقش و اهمیت حکمرانی خوب برای ارتقای توسعه انسانی کشورها و همچنین اهمیتی که برابری جنسیتی در بهره‌برداری بیشتر جامعه از موقعیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارد و موجبات رشد و توسعه یک کشور را مهیا می‌کند و اختصاص ۵۴ شاخص از اهداف توسعه پایدار به برابری جنسیتی، هدف این مطالعه بررسی اثرات حکمرانی خوب و نابرابری جنسیتی بر وضعیت شاخص توسعه انسانی در کشورهایی با شاخص توسعه انسانی بالا (شامل ایران) است و درصدد پاسخگویی به این سؤالات است که حکمرانی خوب و نابرابری جنسیتی چه تأثیری بر وضعیت شاخص توسعه انسانی در این کشورها دارند؟ با توجه به این مهم که در نیم‌قرن آتی حتی کشورهای با توسعه انسانی بالا قادر نخواهند بود که به‌طور کلی نابرابری جنسیتی را از بین ببرند که این مهم برای کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته بسیار وخیم‌تر خواهد بود، این سؤال اساسی مطرح است که با توجه به اثرات منفی نابرابری جنسیتی بر وضعیت توسعه انسانی، برای بهبود شاخص توسعه انسانی در زمان کمتر و همچنین کاستن از اثرات منفی نابرابری جنسیتی چه عواملی می‌تواند تأثیرگذار باشد؟ به‌طور خاص آیا حکمرانی خوب می‌تواند اثرات منفی نابرابری جنسیتی را بر توسعه انسانی کاهش دهد؟ با توجه به نقشی که نابرابری جنسیتی به‌طور مستقیم و به‌طور غیرمستقیم از طریق حکمرانی خوب دارد، در مطالعه حاضر تأثیر نابرابری جنسیتی و اثرات متقابل نابرابری جنسیتی و حکمرانی خوب بر توسعه انسانی بررسی می‌شود که وجه تمایز مطالعه با سایر مطالعات است.

مبانی نظری

۱. شاخص توسعه انسانی

شاخص توسعه انسانی سه بعد کلی، طول عمر توأم با سلامتی، دانش و استانداردهای زندگی دارد. بعد طول عمر توأم با سلامتی با شاخص امید به زندگی اندازه‌گیری می‌شود. بعد دانش با شاخص آموزش اندازه‌گیری می‌شود که این شاخص از میانگین دو شاخص سال‌های مورد انتظار تحصیل و متوسط سال‌های

1. Brinda *et al.*
2. Iqbal *et al.*
3. Marphatia *et al.*



تحصیل به دست می‌آید و نهایتاً بعد استانداردهای زندگی با شاخص درآمد ناخالص ملی ارزیابی می‌شود. میانگین هندسی سه شاخص امید به زندگی، آموزش و درآمد ناخالص ملی سرانه، شاخص توسعه انسانی را شکل می‌دهد. مقدار این شاخص بین صفر و یک است و هر قدر به سمت یک میل پیدا کند، بیانگر توسعه‌یافتگی نیروی انسانی یک کشور است (شهرکی و قادری، ۱۴۰۰).

۲. شاخص‌های حکمرانی خوب

از نظر کمیسیون حکمرانی جهانی، حکمرانی مجموعه‌ای از روش‌ها است که به وسیله آن‌ها اشخاص و مؤسسات هم در بخش خصوصی و هم در بخش عمومی به اداره امور مشترک خود می‌پردازند. حکمرانی خوب در اجزای زیر معرفی می‌شود:

(۱) حکمرانی سیاسی یعنی حفاظت از حاکمیت قانون و حقوق مالکیت و همچنین ارائه خدمات عمومی کارآمد با استفاده از مکانیسم‌ها، فرایندها و نهادها برای مدیریت امور کشور، (۲) حکمرانی اجتماعی (توسعه انسانی) یعنی برخورداری از زندگی طولانی همراه با تندرستی، دستیابی به دانش و توانایی نیل به منابع لازم برای کسب سطح مناسب زندگی و (۳) حکمرانی اقتصادی (ثبات اقتصاد کلان) یعنی برقراری تعادل داخلی اقتصاد که نشان‌دهنده وضعیت مالی پایدار، تورم قابل قبول و نرخ بیکاری نزدیک به نرخ طبیعی است و برقراری تعادل خارجی اقتصاد که منعکس‌کننده موقعیت تعادلی در حساب جاری است (ظهوری و همکاران، ۱۴۰۱).

در تعریف بانک جهانی حکمرانی شامل سه مؤلفه و هر مؤلفه شامل دو شاخص است (بانک جهانی، ۲۰۲۳). مؤلفه اول فرآیندی است که از طریق آن صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و تعویض می‌شوند و دربرگیرنده دو شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی و شاخص ثبات سیاسی و عدم خشونت/تروریسم است. حق اظهارنظر و پاسخگویی: میزان مشارکت شهروندان کشور در انتخاب دولت‌ها و همچنین داشتن آزادی بیان، آزادی همکاری و رسانه‌های آزاد است. ثبات سیاسی و عدم خشونت/ تروریسم: احتمال اینکه دولت توسط ابزارهای خلاف قانون اساسی و مشروعیت مورد بی‌ثباتی و مخالفت قرار گیرد که دربرگیرنده انگیزه‌های سیاسی از خشونت و تروریسم است. مؤلفه دوم ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست‌های درست است که دربرگیرنده دو شاخص اثربخشی دولت و کیفیت تنظیم مقررات است. اثربخشی دولت: کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات مدنی و درجه استقلال خود از فشارهای سیاسی، کیفیت تدوین و اجرای سیاست‌ها و اعتبار تعهد دولت به این سیاست‌ها است. کیفیت تنظیم مقررات: توانایی دولت برای تدوین و فرموله کردن سیاست‌ها که اجازه ترویج و توسعه بخش خصوصی را نتیجه می‌دهد. مؤلفه سوم احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آن‌ها را اداره می‌کنند و دربرگیرنده دو شاخص حاکمیت قانون و کنترل فساد است. حاکمیت قانون: اعتماد کارگزاران به قواعد جامعه و به‌ویژه کیفیت اجرای قراردادهای، حقوق مالکیت، پلیس و دادگاه و همچنین احتمال جنایت و خشونت از آن نشئت می‌گیرد. کنترل فساد: میزان به‌کارگیری قدرت عمومی برای به دست آوردن منافع خصوصی که دربرگیرنده هر دو شکل کوچک و بزرگ از فساد است (شهرکی و همکاران، ۱۴۰۱؛ پورااحتشام،

۱۳۹۷). به‌طور کل حکمرانی خوب شامل ۶ شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی^۱، ثبات سیاسی و نبود خشونت/ تروریسم^۲، اثربخشی دولت^۳، کیفیت تنظیم مقررات^۴، شاخص حاکمیت قانون^۵ و کنترل فساد^۶ است که بیان‌کننده سرمایه‌های اجتماعی و کارکرد نهادهای یک جامعه است (شهرکی و قادری، ۱۴۰۰).

۳. ارتباط بین حکمرانی خوب و توسعه

در اواسط دهه ۱۹۹۰ جوزف استیگلیتز نظرات انتقادی خود را در قالب سیاست‌های اجماع پساواشنگتنی مطرح ساخت. استیگلیتز معتقد بود تعامل بین دولت و بازار می‌تواند منجر به اصلاحات اقتصادی در کشورها شود. در اجماع پساواشنگتنی، دولت و بازار دو نهاد مکمل هستند؛ لذا موضوع وجود دولت و مداخله آن در اقتصاد مطرح نیست، بلکه کارایی و اثربخشی مهم است. در این رویکرد دولت به‌عنوان یک نهاد اجتماعی می‌بایست با ایجاد نهادهای کارآمد و توانمند، محیط مناسبی برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه مهیا سازد و موجب رشد اقتصادی شود. نتایج و عملکرد این نهادها تحت عنوان حکمرانی خوب مطرح است (مکیان و بی‌باک، ۱۳۹۴).

به‌طور کلی در مورد اولویت‌بندی حکمرانی و توسعه سه دیدگاه وجود دارد:

- دیدگاه اول بیان می‌کند که یک کشور نمی‌تواند به‌طور هم‌زمان هم حکمرانی و هم توسعه را با هم داشته باشد. اگر هر کدام از این موارد مورد توجه و اهتمام قرار گیرد، هدف دیگری تضعیف می‌شود؛ مثلاً اگر توسعه هدف اصلی باشد، ممکن است حکمرانی خوب به‌طور کامل محقق نشود.
- دیدگاه دوم بیان می‌کند تحقق توسعه مقدم بر حکمرانی خوب است؛ از این رو ابتدا باید به اهداف توسعه متمرکز شد و سپس به حکمرانی خوب دست یافت.
- دیدگاه سوم حکمرانی خوب را لازمه دستیابی به توسعه پایدار بیان می‌کند (ظهیری و همکاران، ۱۴۰۱).

با توجه به دیدگاه‌های بالا، برای تعیین رابطه بین حکمرانی خوب و وضعیت توسعه کشورها چهار حالت قابل بررسی است که عبارت‌اند از: حکمرانی خوب و توسعه پایدار بالا، حکمرانی بد و توسعه پایدار پایین، حکمرانی خوب و توسعه پایدار پایین و حکمرانی بد و توسعه پایدار بالا. در حالت اول حکمرانی خوب باعث توسعه پایدار می‌شود، در حالت دوم حکمرانی بد منجر به کاهش وضعیت توسعه می‌شود. در هر دو حالت بیان‌شده ارتباط مستقیم بین حکمرانی خوب و وضعیت

1. Voice and accountability
2. Political stability and absence of violence/terrorism
3. Government effectiveness
4. Regulatory quality
5. Rule of law
6. Control of corruption



توسعه برقرار است اما در دو حالت دیگر مرتبط منفی بین حکمرانی خوب و وضعیت توسعه وجود دارد؛ به این صورت که الزاماً حکمرانی خوب منجر به ارتقای وضعیت توسعه و یا ارتقای وضعیت توسعه منجر به حکمرانی خوب نمی‌گردد (ظهیری و همکاران، ۱۴۰۱).

۴. کانال‌های اثرگذاری شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه

۱) حق اظهارنظر و پاسخگویی و توسعه

حق اظهارنظر شهروندان و پاسخ‌گویی دولت، بیانگر جنبه‌های مختلف آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی است. مردم بدون آزادی سیاسی نمی‌توانند عضو گروه‌ها و احزاب شوند؛ اما دولت‌های دموکراتیک از حقوق بشر حمایت کرده و اجازه مشارکت بیشتری در نهادها و اجرای قوانینی برای توزیع مناسب‌تر امکانات رفاهی از قبیل امکانات آموزشی و بهداشتی را می‌دهند. حق اظهارنظر شهروندان و پاسخگویی دولت به چهار روش می‌تواند بر توسعه مؤثر باشد: (۱) بهبود عملکرد دولت (۲) ایجاد ثبات سیاسی (۳) انباشت سرمایه فیزیکی (۴) انباشت سرمایه انسانی (سامتی و همکاران، ۱۳۹۰).

۲) ثبات سیاسی و توسعه

ثبات سیاسی از دو طریق می‌تواند بر توسعه پایدار تأثیرگذار باشد: (۱) افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی (۲) جلوگیری از فرار مغزها.

۳) اثربخشی دولت و توسعه

کارایی و اثربخشی دولت مستلزم وجود دستگاه اداری و اجرایی کارآمد در کشور است. چنین دستگاه‌هایی پاسخگوی نیازهای همه مردم، اجراکننده عدالت اجتماعی و تضمین‌کننده دستیابی آحاد ملت به خدمات باکیفیت اجتماعی مانند آموزش و بهداشت است. شاخصه‌های این دستگاه‌های کارآمد اداری عبارت است از: (۱) ساختارهای مناسب و با حقوق مکفی (۲) پاسخگو و بدون فساد (۳) مستقل و مسئولیت‌پذیر.

۴) کیفیت قوانین و مقررات و توسعه

کیفیت قوانین و مقررات شامل موارد ذیل می‌گردد: تنظیم قوانین در بازار مانند کنترل قیمت‌ها، حذف موانع دست و پاگیر در تجارت خارجی، کاهش محدودیت‌ها در بازار سهام و ارز، تسهیل ثبت کسب‌وکارها و حذف و یا کاهش هر قانونی که منجر به کاهش دستیابی به توسعه گردد. قانون‌گذاری توسط دولت وقتی اثربخش خواهد بود که سه ویژگی ذیل را دارا باشد: (۱) شفاف‌سازی (۲) برابری فرصت‌ها (۳) به هنگام سازی نظام حقوقی.

۵) حاکمیت قانون و توسعه

طبق تعریف سازمان ملل منظور از حاکمیت قانون اصول حاکمیتی است که در آن همه افراد و نهادهای خصوصی و دولتی در برابر قوانین پاسخگو باشند. قوانینی که به طور عمومی منتشر شده‌اند، به طور مساوی اجرا می‌شوند، به طور مستقل حکم می‌شوند و ضمناً سازگار با حقوق بشر بین‌المللی نیز هستند. کانال‌های اثرگذاری حاکمیت قانون بر توسعه عبارت است از: ۱) حمایت از حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادهای ۲) توسعه بازارها ۳) کارآفرینی.

۶) کنترل فساد و توسعه

مبانی نظری در خصوص فساد، بیانگر دو نظریه متعارض و رقیب است که اثرات فساد بر توسعه اقتصادی یا کارایی کلی را شامل می‌شود؛ نظریه ناکارآمدی و نظریه کارآمدی فساد. نظریه ناکارآمدی فساد بیان‌کننده نظریه‌هایی است که فساد را مانند نیرویی می‌دانند که به عملکرد مناسب بازارها آسیب می‌رساند و از این حیث منجر به کاهش توسعه اقتصادی می‌شود؛ مانند تئوری‌های تخصیص غیر بهینه سرمایه انسانی و تئوری فساد به‌عنوان مانعی برای ورود به بازار. نظریه کارآمدی فساد، نظریه‌هایی هستند که بیان می‌کنند فساد قادر است از طریق دور زدن قوانین و مقررات ناکارآمد و انعطاف‌ناپذیر تحمیل‌شده توسط دولت، کارایی و توسعه اقتصادی را افزایش دهد. از این نظریه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱) رشوه بازار را تسویه می‌کند ۲) رشوه به‌عنوان پاداش تشویقی برای بوروکرات‌ها عمل می‌کند ۳) رشوه هزینه‌ها را کاهش می‌دهد (سامتی و همکاران، ۱۳۹۰).

۵. نابرابری جنسیتی و توسعه انسانی

شاخص نابرابری جنسیتی یک معیار ترکیبی شامل سه بعد، سلامت باروری زنان^۱، توانمندسازی^۲ و مشارکت در بازار کار^۳ است (سازمان ملل، ۲۰۲۴a؛ بریندا و همکاران، ۲۰۱۵). بعد سلامت باروری شامل شاخص‌های نرخ مرگ‌ومیر مادران^۴ و نرخ باروری نوجوانان^۵ است. بعد توانمندسازی شامل سهم مردان و زنان از کرسی‌های مجلس^۶ و نسبت مردان و زنان با حداقل آموزش متوسطه^۷ است و بعد مشارکت در بازار کار نیز شامل نرخ مشارکت زنان و مردان در بازار نیروی کار^۸ است. مقدار این شاخص بین صفر و یک است که یک نابرابری کامل و صفر برابری کامل بین زنان و مردان است (سازمان ملل، ۲۰۲۴a). مقادیر زیاد شاخص نابرابری جنسیتی منعکس‌کننده بی‌توجهی به وضعیت سلامت، تغذیه و سایر نیازمندی‌های اصلی

1. Female reproductive health index
2. Empowerment index
3. Labour market index
4. Maternal mortality ratio
5. Adolescent birth rate
6. Female and male shares of parliamentary seats
7. Female and male population with at least secondary education
8. Female and male labour force participation rates



زنان است که نه تنها به زنان آسیب می‌زند، بلکه باری را بر جامعه تحمیل می‌کند (مارفاتیا و همکاران، ۲۰۱۶). اهمیت شاخص نابرابری جنسیتی در این است که توانایی‌ها و فرصت‌های ویژه زنان را شناسایی می‌کند تا برای تحقق اهداف سلامت و به‌روز بودن زنان، سلامت کودکان و به‌طور کل سرمایه انسانی استفاده شود (شهرکی و همکاران، ۱۴۰۱).

نابرابری جنسیتی به چرخه‌های محرومیت در جامعه دامن می‌زند؛ زیرا زنان از سهم عادلانه خود در کار با دستمزد و سایر فرصت‌ها محروم می‌شوند و به مسئولیت‌های مراقبتی که از نظر اجتماعی به آن‌ها نسبت داده شده است و بدون مزد است، تنزل می‌یابند و با موانع سیستمی مرتبط با جنسیت روبرو می‌شوند. در بازار کار، آن‌ها همچنین در برابر فقر انسانی آسیب‌پذیرتر هستند و از آنجا که رفاه و عاملیت آن‌ها غالباً از نظر فرهنگی و از طریق نسل‌ها منتقل می‌شود، زنان بیش از مردان تمایل به داشتن قدرت محدود در همه حوزه‌های زندگی را دارند. نابرابری جنسیتی نه تنها امنیت انسانی را از بین می‌برد، بلکه تعارضات ساختاری، آسیب‌پذیری‌ها و محرومیت‌ها را در جامعه عمیق‌تر می‌کند (فرانسیسکو^۱، ۲۰۰۷).

نابرابری‌های مبتنی بر جنسیت برای رشد، تولید ثروت و کاهش فقر مضر است. با محدود کردن ظرفیت زنان، ظرفیت تولیدی و پتانسیل زنان نیز به‌طور هم‌زمان محدود می‌شود و مشارکت آن‌ها در اقتصاد محدود می‌شود و ظرفیت اقتصاد برای پویایی بیشتر متوقف می‌شود. تداوم نابرابری‌های به دلیل جنسیت بر توزیع هزینه‌ها و منافع حاصل از ترتیبات اقتصادی، از جمله یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای و توافقنامه‌های تجاری تأثیر می‌گذارد (فرانسیسکو، ۲۰۰۷) و منجر می‌شود نه تنها رشد اقتصادی و تولید جامعه محدود شود بلکه آثار آن بر وضعیت اجتماعی افراد مانند سلامت و آموزش نیز بسیار مخرب باشد.

پیشینه تحقیق

در این بخش مهم‌ترین مطالعات داخلی و خارجی بیان می‌گردد که تأثیر نابرابری جنسیتی و حکمرانی خوب را بر وضعیت سلامت و توسعه انسانی بررسی کردند.

مطالعات داخلی

ظهیری و همکاران (۱۴۰۱) با تأثیر ابعاد حکمرانی (حکمرانی سیاسی، حکمرانی اجتماعی، حکمرانی اقتصادی) را بر شاخص توسعه پایدار در کشورهای نفتی اوپک پلاس در دوره زمانی ۱۹۹۷-۲۰۱۸ بیان کردند شاخص حاکمیت قانون (به‌عنوان نماینده حکمرانی سیاسی) و شاخص توسعه انسانی (به‌عنوان نماینده حکمرانی اجتماعی) بر شاخص توسعه پایدار در کشورهای مورد مطالعه دارای اثر مثبت و معنی‌دار است و شاخص ثبات اقتصاد کلان (به‌عنوان نماینده حکمرانی اقتصادی) دارای اثر منفی و معنی‌داری بر شاخص توسعه پایدار این کشورها دارد.

شهرکی و قادری (۱۴۰۰) برای ۳۹ کشور با شاخص توسعه انسانی بالا برای سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۰۰ با روش رگرسیون پانل دیتا با اثرات ثابت نشان دادند متغیرهای مخارج سلامت عمومی، کیفیت دموکراسی، تولید ملی و باز بودن تجاری تأثیر مثبت بر توسعه انسانی دارند؛ همچنین بهبود کیفیت دموکراسی موجب افزایش کارایی مخارج سلامت عمومی بر بهبود وضعیت توسعه انسانی در این کشورها شد.

شهرکی و همکاران (۱۴۰۱) برای کشورهای با درآمد متوسط و بالا و با روش پانل دیتا با وابستگی مقطعی و برآوردگر اثرات همبسته مشترک میانگین گروهی نشان دادند شاخص نابرابری جنسیتی تأثیر منفی و حکمرانی خوب، مخارج سلامت و نرخ مشارکت زنان در بازار کار تأثیر مثبتی بر امید به زندگی دارد؛ همچنین شاخص نابرابری جنسیتی تأثیر مثبت و تولید ناخالص داخلی سرانه تأثیر منفی بر نرخ مرگومیر کودکان دارد.

شهبازی و همکاران (۱۳۹۹) برای استان‌های ایران نشان دادند بین نابرابری جنسیتی و شادکامی در سطح استان‌های کشور رابطه آماری معنی‌داری مشاهده نشد، اما میانگین سنی جمعیت با نابرابری جنسیتی رابطه معکوس معنی‌داری داشت؛ بدین‌صورت که با افزایش میانگین سنی در جمعیت، نابرابری جنسیتی کمتری میان جامعه مشاهده شد.

حاتم و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند با افزایش نابرابری جنسیتی، نرخ مرگومیر نوزادان و کودکان زیر ۵ سال افزایش و درصد واکسیناسیون کودکان کاهش می‌یابد.

افشاری و کاکاوند (۱۳۹۵) برای استان‌های ایران با استفاده از روش پانل با حداقل مربعات معمولی نشان دادند که نابرابری جنسیتی بر رشد اقتصادی استان‌ها تأثیر منفی دارد.

مکیان و بی باک (۱۳۹۴) تأثیر شاخص حکمرانی خوب بر شاخص توسعه را دو گروه کشورهای منتخب اسلامی و کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه برای دوره زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۲ با روش داده‌های تابلویی بررسی کردند. نتایج نشان داد در کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، رابطه مثبت و معناداری بین شاخص حکمرانی خوب و آزادی اقتصادی با توسعه انسانی وجود دارد، اما در کشورهای اسلامی این رابطه از نظر آماری معنادار نیست.

بذرافکن و قباشی (۱۳۹۵) با بررسی شاخص حکمرانی خوب و اندازه دولت بر شاخص توسعه انسانی در ایران در بازه زمانی ۹۵-۱۳۷۵ نشان دادند طبق روش جوهانسن جوسیلیوس، اثر متغیرهای حکمرانی خوب، اندازه دولت، نرخ باسوادی و نرخ شهرنشینی بر توسعه انسانی مثبت است.

رزمی و همکاران (۱۳۹۴) با تأکید بر اهمیت توسعه انسانی الزامات تحقق حکمرانی خوب برای رسیدن به توسعه انسانی پایدار را بیان و نشان دادند مؤلفه‌های حکمرانی خوب در ایران بیانگر وضعیت نامناسب این شاخص‌های در سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۹۶ است.

سامتی و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای برای کشورهای جنوب شرقی آسیا با استفاده از داده‌های تابلویی در دوره زمانی ۲۰۰۹-۲۰۰۰ به بررسی اثر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از تخمین مدل‌ها نشان می‌دهد که کیفیت حکمرانی خوب که از طریق میانگین موزون شاخص‌های حکمرانی محاسبه شده است، اثر مثبت و معنی‌داری بر توسعه انسانی دارد.

مطالعات خارجی

گوک و گوک (۲۰۲۳) با استفاده از داده‌های کشورهای گروه ۲۰ برای سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۴ نشان دادند که شاخص نابرابری جنسیتی و معیارهای مرتبط به آن تأثیر منفی بر توسعه انسانی دارند. حیواناسای و همکاران (۲۰۲۳) نشان دادند که نابرابری جنسیتی یک مانع عمده برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار است و نابرابری جنسیتی منجر به کاهش سلامت، آموزش و رشد اقتصادی می‌شود. برابری جنسیتی بهره‌وری را افزایش می‌دهد و نتایج اقتصادی می‌تواند تولید ناخالص داخلی را تا ۳۴ درصد افزایش دهد. استیلیانو و همکاران (۲۰۲۳) برای ۲۵ کشور آسیایی در بازه ۲۰۱۷-۲۰۱۰ در ارتباط بین حکمرانی خوب و توسعه انسانی نشان دادند که بین شاخص توسعه انسانی و هزینه‌های توسعه رابطه علیت دوسویه وجود دارد؛ همچنین بین باز بودن تجارت و مخارج توسعه نیز یک رابطه علی دوطرفه وجود دارد.

مچکووا^۱ و همکاران (۲۰۲۴) با بررسی حکمرانی خوب، نابرابری جنسیتی و توسعه انسانی برای ۱۸۰ کشور طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۰ نشان دادند که برابری جنسیتی از طریق افزایش توانمندسازی سیاسی زنان تأثیر مثبت بر توسعه انسانی دارد به شرطی که حکمرانی خوب از طریق کاهش فساد محقق شود. ویز^۲ و همکاران (۲۰۲۱) برای کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی بیان کردند که شاخص نابرابری جنسیتی با شاخص امید به زندگی و امید به زندگی با سلامتی رابطه منفی و با شاخص سال‌های زندگی با ناتوانی رابطه مثبت دارد.

آسونگو و دیوپ^۳ (۲۰۲۳) برای کشورهای افریقا طی سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۰ نشان دادند که وابستگی فضایی بین توسعه انسانی و کیفیت حکمرانی وجود دارد و حصارهای خوب همسایگان خوب می‌سازند.

کندی^۴ و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند در ۴۰ کشور با درآمد کم و متوسط در جنوب شرق آسیا، زنان از نظر سلامت بارداری وضعیت مناسبی ندارند و شاخص‌های کودک‌همسری، فرزندآوری و خشونت شریک جنسی بسیار زیاد است. همچنین نسبت زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله به مردان در دسترسی به آموزش و استخدام بسیار کم است.

سارکوزی و ادامز (۲۰۲۰) در سال‌های ۲۰۱۷-۱۹۹۰ برای کشورهای جنوب صحرای آفریقا نتیجه گرفتند که نابرابری درآمد تأثیر منفی بر دسترسی به برق دارد؛ همچنین نظام سیاسی تأثیر منفی بر نابرابری درآمدی دارد که به این معناست که فضای حکمرانی خوب، نابرابری درآمدی را کاهش می‌دهد و کاهش نابرابری درآمدی باعث افزایش توسعه انسانی می‌شود.

1. Mechkova et al.
2. Veas et al.
3. Asongu & Diop
4. Kennedy et al.



هاینز^۱ و همکاران (۲۰۲۰) برای ۴۵ کشور اروپایی نشان دادند نابرابری جنسیتی زیاد موجب افزایش چاقی و بیش‌وزنی، کاهش حمایت خانواده، رضایت کمتر از زندگی، سیگار کشیدن، نوشیدن الکل و احساس استرس در مدرسه برای دختران نسبت به پسران شده است.

اوما و نادزنجانجا^۲ (۲۰۱۹) اثر مخارج دولت و حکمرانی را بر توسعه انسانی اندازه‌گیری کردند. در این مطالعه از ۱۹ بازار مشترک کشورهای شرق و جنوب آفریقا و مدل اثر تصادفی و روش دومرحله‌ای تعمیم‌یافته استفاده شد. نتایج نشان داد که سیاست مالی و حکمرانی تأثیر مثبت و قابل توجهی بر توسعه انسانی دارد. برادا و همکاران^۳ (۲۰۱۹) رابطه بین فساد و شاخص توسعه انسانی را در ۴۵ کشور در حال توسعه با استفاده از داده‌های سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۸ اندازه‌گیری کردند. مطالعه آن‌ها نشان داد که کشورهای فاسد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کمتری دریافت خواهند کرد و تولید ناخالص داخلی رابطه معناداری با شاخص توسعه انسانی دارد، در حالی فساد بر شاخص توسعه انسانی تأثیر منفی دارد.

کسر و گوکمن^۴ (۲۰۱۸) رابطه بین حکمرانی و توسعه انسانی را در مورد ۳۳ عضو اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ بررسی کردند. این مطالعه نشان داد سه شاخص اصلی حکمرانی مانند حاکمیت قانون، کیفیت نظارتی و اثربخشی دولت باعث بهبود توسعه انسانی می‌شوند.

کولپ و لانگ^۵ (۲۰۱۸) برای ۱۸ کشور اروپایی نشان دادند نابرابری جنسیتی نه تنها موجب کاهش امید به زندگی در زنان می‌شود، بلکه امید به زندگی مردان را نیز کاهش می‌دهد.

مارفاتیا و همکاران (۲۰۱۶) برای ۹۶ کشور با درآمد کم و متوسط نشان دادند کاهش شاخص نابرابری جنسیتی موجب کاهش عمده در کم‌وزنی، سوء تغذیه و مرگ‌ومیر کودکان می‌شود.

روش تحقیق

مطالعه توصیفی - تحلیلی حاضر با روش رگرسیون پانل دیتا با برآوردگر حداقل مربعات تعمیم‌یافته برای کشورهای با سطح توسعه انسانی بالا (شامل ایران) انجام شد. جامعه آماری، کشورهای با سطح توسعه انسانی بالا بود که بر اساس طبقه‌بندی سازمان ملل در سال ۲۰۲۴، ۴۹ کشور و شامل ایران بود که با توجه به عدم وجود داده‌های موردنیاز مطالعه برای بعضی از کشورها، ۳۷ کشور انتخاب شد. داده‌های موردنیاز مطالعه از نوع سری زمانی سالانه بودند و برای سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۲۲ از پایگاه داده‌ای بانک جهانی (بانک جهانی، ۲۰۲۴) و داده‌های HDI و GII از پایگاه داده‌ای سازمان ملل متحد استخراج شدند (سازمان ملل، ۲۰۲۴b) و برآورد مدل تحقیق و آزمون‌های موردنیاز در نرم‌افزار STATA 17 صورت گرفت. برای برآورد تأثیر نابرابری جنسیتی و حکمرانی خوب بر توسعه انسانی، ابتدا طبق مبانی نظری و پیشینه تحقیق عوامل

1. Heinz *et al.*
2. Ouma & Nadzanja
3. Brada *et al.*
4. Keser & Gökmen
5. Kolip & Lange



مؤثر بر وضعیت توسعه انسانی انتخاب و مدل تحقیق تبیین شد، برای بررسی اثرات متقابل آن‌ها بر توسعه انسانی نیز از متغیر حاصل‌ضرب حکمرانی خوب و نابرابری جنسیتی استفاده شد و سپس مدل مطالعه با استفاده از آزمون‌های مختلف تشخیص و ثبات مورد آزمون قرار گرفت و نهایتاً مدل با روش رگرسیون پانل دیتا با اثرات ثابت برآورد گردید.

طبق مبانی نظری و مطالعات پیشین، حکمرانی خوب و نابرابری جنسیتی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توسعه انسانی است (آسونگو و دیوپ، ۲۰۲۳؛ سارکوزی و ادامز، ۲۰۲۰؛ مکین و بی‌باک، ۱۳۹۴؛ شهرکی و قادری، ۱۴۰۰). ابتدا مدل با این متغیرها تبیین شد و سپس با توجه به اینکه یکی از اهداف مطالعه، بررسی اثرات متقابل حکمرانی خوب و نابرابری جنسیتی بر توسعه انسانی است، متغیر حاصل‌ضرب حکمرانی خوب و نابرابری جنسیتی نیز به‌عنوان یک متغیر مستقل در مدل در نظر گرفته شد (سالاری و شهرکی، ۱۴۰۳). سایر متغیرهای تأثیرگذار بر توسعه انسانی به‌صورت متغیر کنترلی در مدل وارد شدند؛ بنابراین مدل اولیه به شرح زیر است:

$$HDI_{it} = \alpha_1 + \alpha_2 GOV_{it} + \alpha_3 GII_{it} + \alpha_4 GG_{it} + \alpha_4 CONTROL_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

HDI_{it} : شاخص توسعه انسانی

GOV_{it} : شاخص حکمرانی خوب

GII_{it} : شاخص نابرابری جنسیتی

GG_{it} : حاصل‌ضرب شاخص حکمرانی خوب و شاخص نابرابری جنسیتی

$CONTROL_{it}$: متغیرهای کنترلی

با توجه به مطالعات قبلی در این موضوع سایر عوامل مؤثر بر توسعه انسانی به‌عنوان متغیر کنترلی وارد مدل شدند (مچکووا و همکاران، ۲۰۲۴؛ اوما و نادزنج، ۲۰۱۹؛ کسر و گوکمن، ۲۰۱۸؛ سیمپلس و سامبا، ۲۰۲۱؛ سارکوزی و ادامز، ۲۰۲۰) که مهم‌ترین و مناسب‌ترین‌ها به شرح ذیل در مدل لحاظ شدند:

$$HDI_{it} = \alpha_1 + \alpha_2 GOV_{it} + \alpha_3 GII_{it} + \alpha_4 GG_{it} + \alpha_4 GDP_{it} + \alpha_5 OPENES_{it} + \alpha_6 EDU_{it} + \alpha_7 PHEXP_{it} + \alpha_8 INF_{it} + \alpha_9 URB_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

HDI_{it} : شاخص توسعه انسانی

GOV_{it} : شاخص حکمرانی خوب

GII_{it} : شاخص نابرابری جنسیتی

GG_{it} : حاصل‌ضرب شاخص حکمرانی خوب و شاخص نابرابری جنسیتی

GDP_{it} : تولید ناخالص داخلی سرانه برحسب برابری قدرت خرید

$OPENESS_{it}$: مجموع واردات و صادرات به تولید ناخالص داخلی

EDU_{it} : نرخ باسوادی

$PHEXP_{it}$: مخارج سلامت عمومی به‌صورت درصدی از GDP

INF_{it} : نرخ تورم

URB_{it} : نرخ شهرنشینی

برای برآورد مدل بالا که از نوع پانل دیتا است، ابتدا باید وابستگی مقطعی، پایایی متغیرها و وجود بردار هم‌جمعی بین متغیرهای مدل مشخص شود. سپس یکی از روش‌های اقتصادسنجی مناسب در نظر گرفته شود. برای بررسی وابستگی مقطعی از آزمون CD پسران^۱ استفاده شد. در این آزمون فرض صفر عدم وابستگی مقطعی است (پسران، ۲۰۰۷). برای اطمینان از عدم وجود ضرایب رگرسیون کاذب، آزمون‌های پایایی لازم است. در صورتی که داده‌های پانلی وابستگی مقطعی نداشته باشند، استفاده از آزمون‌های ریشه واحد پانل دیتا مانند ایم، پسران و شین^۲ (IPS)، لوین، لین و چو^۳ (LLC) و فیشر^۴ استفاده می‌شود و در صورت وابستگی مقطعی از آزمون ریشه واحد پسران^۵ (CIPS) استفاده می‌شود. اگر وابستگی مقطعی به اثبات رسیده باشد، استفاده از این آزمون‌های ریشه‌های واحد منجر به نتایج غیرواقعی خواهد شد. با توجه به اینکه در این مطالعه وابستگی مقطعی متغیرها به اثبات رسید، برای پایایی متغیرها از آزمون ریشه واحد پسران استفاده شد. طبق نتایج آزمون ریشه واحد، اگر همه متغیرهای مدل در سطح پایا نشدند و بعضی از متغیرها در سطح و بعضی در تفاضل مرتبه اول پایا شوند، استفاده از روش‌های برآورد هم‌جمعی مدل ضروری است. برای بررسی هم‌جمعی بین متغیرها در صورت نبود وابستگی مقطعی با آزمون‌های پدرونی و کائو و در صورت وابستگی مقطعی با آزمون هم‌جمعی پانل دیتای وسترونند برآورد می‌شود (شهرکی و همکاران، ۱۴۰۱). در این مطالعه با توجه وابستگی مقطعی از آزمون هم‌جمعی بوت‌استرپ و وسترونند استفاده شد. این آزمون هم‌جمعی در صورت وجود وابستگی مقطعی، شکست ساختاری در عرض از مبدأ و شیب رگرسیون هم‌جمعی و همچنین خودهمبستگی اجرای اخلاص نتایج معتبری ارائه می‌دهد (دامت و مارکوئیس^۶، ۲۰۱۹). فرض صفر این آزمون نبود رابطه هم‌جمعی است. آزمون هم‌جمعی وسترونند هم برای وابستگی مقطعی و هم برای استقلال مقطعی قابل استفاده است (قادری و شهرکی، ۱۴۰۰). در صورت اثبات وابستگی مقطعی باید از روش بوت‌استرپ و وسترونند استفاده شود (ادنی^۷، ۲۰۲۱).

برای انتخاب نوع مدل رگرسیون، پانل دیتا بودن و یا پولد بودن مدل باید بررسی شود که برای این تصمیم از آزمون F لیمر استفاده شد. فرض صفر در این آزمون، یکسان بودن عرض از مبدأ تمام مقاطع و یا پولد بودن (تجمیعی) و فرض مقابل عرض از مبدأهای متفاوت در مقاطع یا پانل دیتا است. در صورتی که پانل دیتا بودن داده‌ها، انتخاب شود باید نسبت به اثرات تصادفی و یا ثابت تصمیم‌گیری شود. برای این

1. CD test
2. Im, Pesaran & Shin (IPS)
3. Levin, Lin & Chu (LLC)
4. Fisher
5. CIPS test
6. Damette & Marques
7. Adeneye



تصمیم‌گیری از آزمون هاسمن استفاده شد. فرض صفر در این آزمون اثرات تصادفی و فرض مقابل اثرات ثابت است. مدل پانل دیتا امکان بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته برای کشورهای مختلف در داده‌های سری زمانی را امکان‌پذیر می‌کند. در صورتی که استفاده از مدل رگرسیونی پانل دیتا با اثرات ثابت تائید شود برای اطمینان از نتایج، باید آزمون والد^۱ برای وجود ناهمسانی و آریانس و آزمون ولدریج^۲ برای خودهمبستگی اجزای اخلال بررسی شود.

نتایج

نتایج آمار توصیفی نشان داد (جدول ۱) که میانگین شاخص توسعه انسانی برای کل کشورهای نمونه برابر با 0.715 ± 0.045 و برای ایران برابر با 0.75 ± 0.031 بود که بیانگر بالاتر بودن رتبه ایران از متوسط کشورهای با سطح توسعه انسانی بالا است. بررسی روند شاخص توسعه انسانی ایران نشان داد که این متغیر تا سال ۲۰۱۷ روند صعودی یکنواختی داشته است که در سال ۲۰۱۷ به بیشترین مقدار در دوره مورد بررسی می‌رسد (0.788)، اما از این سال به بعد روند آن کاهشی می‌شود. میانگین شاخص نابرابری جنسیتی برای کل کشورهای نمونه 0.37 ± 0.10 و برای ایران 0.51 ± 0.03 بود که بیانگر این است که در دوره مورد بررسی وضعیت نابرابری جنسیتی در ایران بیشتر از متوسط کشورهای نمونه است. همچنین بررسی روند نابرابری جنسیتی برای ایران بیانگر روند نزولی اما نوسانی است.

میانگین حکمرانی خوب برای کل کشورهای نمونه 0.45 ± 0.21 - و برای ایران 0.56 ± 0.19 - بود که بیانگر وضعیت نامناسب‌تر حکمرانی خوب در ایران نسبت به سایر کشورهای با توسعه انسانی بالا است. به عبارت دیگر اگرچه وضعیت ایران نسبت به سایر کشورهای نمونه در شاخص‌های توسعه انسانی مانند شاخص درآمد، آموزش و سلامت بهتر است اما در شاخص‌های حکمرانی خوب و نابرابری جنسیتی رتبه پایین‌تری را داراست. میانگین متغیرهای مخارج سلامت، باز بودن تجاری و حاصل ضرب حکمرانی خوب و شاخص نابرابری جنسیتی برای ایران کمتر از میانگین سایر کشورها بود و میانگین متغیرهای تولید ناخالص داخلی سرانه، تورم و نرخ شهرنشینی در ایران بیشتر از متوسط سایر کشورهای نمونه بود. بررسی روند شاخص نابرابری جنسیتی و توسعه انسانی برای کل کشورهای نمونه و همچنین برای ایران بیانگر ارتباط معکوس این دو شاخص طی زمان بود. به عبارت دیگر با بالاتر رفتن شاخص نابرابری جنسیتی وضعیت شاخص توسعه انسانی کاهش می‌یابد. همچنین بررسی روند شاخص حکمرانی خوب و توسعه انسانی برای کل کشورهای نمونه بیانگر ارتباط مستقیم این دو شاخص بود اگرچه برای ایران این ارتباط خیلی ضعیف بود.

1. Wald Test
2. Wooldridge Test

جدول ۱. نتایج آمار توصیفی متغیرهای مدل (برای کل کشورها و ایران)

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
شاخص توسعه انسانی	۰/۷۱۵	۰/۰۴۵	۰/۵۷۹	۰/۸۱۳
حکمرانی خوب	۰/۷۵۴	۰/۰۳۱	۰/۶۹۵	۰/۷۸۸
شاخص نابرابری جنسیتی	-۰/۲۱۱	۰/۴۵۴	-۱/۴۵۹	۱/۱۵۰
حاصل ضرب حکمرانی خوب و شاخص نابرابری جنسیتی	-۰/۵۶۵	۰/۱۹۳	-۱/۰۱۷	-۰/۲۳۷
مخارج سلامت (درصدی از تولید ناخالص داخلی)	۰/۳۷۸	۰/۱۰۵	۰/۱۱۶	۰/۷۶۶
تولید ناخالص داخلی سرانه	۰/۵۱۷	۰/۰۳۴	۰/۴۵۸	۰/۵۷۵
شاخص باز بودن تجاری	-۰/۰۷۸	۰/۱۸۱	-۰/۶۷۰	۰/۴۳۰
نرخ تورم	-۰/۲۹۲	۰/۰۹۵	-۰/۴۹۳	-۰/۱۱۱
نرخ شهرنشینی	۲/۸۲۵	۰/۹۴۶	۰/۵۴۶	۹/۰۸
	۲/۴۷۸	۰/۶۶۷	۱/۷۸۰	۱/۶۸۸
	۱۳۰۹۰	۴۷۵۲	۳۱۰۵	۳۲۵۱۰
	۱۴۰۴۰	۱۲۶۵	۱۱۰۵۳	۱۵۴۹۹
	۷۸/۲۳۱	۳۱/۱۲	۱۵/۶۸	۱۸۶/۶۷
	۴۶/۸۰	۵/۰۸	۳۹/۴۲	۵۸/۵۶
	۶/۶۶۴	۱۰/۵۸	۷/۱۱۳	۱۷۱/۲۰
	۲۰/۴۸	۱۱/۳۷	۷/۲۴۵	۴۳/۴۸
	۵۷/۳۹	۱۷/۳۲	۱۸/۱۹	۹۱/۸۲
	۷۰/۹۱	۳/۹۱۴	۶۴/۰۴۲	۷۶/۸۰

منبع: یافته‌های تحقیق

برای بررسی وابستگی مقطعی از آزمون CD پسران استفاده شد. همان‌طور که بیان شد در این آزمون فرض صفر عدم وابستگی مقطعی است. نتایج این آزمون در جدول (۲) ارائه شد. طبق نتایج جدول (۲)، احتمال محاسبه شده برای آزمون پسران کمتر از پنج صدم است بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم وابستگی مقطعی رد می‌شود و فرض مقابل که وابستگی مقطعی است برای همه متغیرهای مدل پذیرفته می‌شود. با توجه به تأیید وابستگی مقطعی برای بررسی پایایی متغیرها از آزمون ریشه واحد پسران (CIPS) استفاده و نتایج در جدول (۲) ارائه شد. در این آزمون سطح معنی‌داری پنج درصد در نظر گرفته شد و طبق آماره محاسبه شده، همه متغیرهای مدل به جز نرخ تورم در سطح ناپایا بودند. نرخ تورم نیز با تفاضل مرتبه اول پایا شد.

جدول ۲. آزمون‌های وابستگی مقطعی پسران (CD) ریشه واحد پسران (CIPS)

متغیرها	آزمون وابستگی مقطعی پسران (CD)		آزمون ریشه واحد پسران (CIPS)	
	آماره	احتمال	آماره	نتیجه در سطح معنی‌داری ۵ درصد
شاخص توسعه انسانی	۱۰۴/۹۵	<۰/۰۰۱	-۲/۵۴	ناپایا
حکمرانی خوب	۳/۰۴	۰/۰۰۲	-۲/۳۲	ناپایا
شاخص نابرابری جنسیتی	۶۹/۵۴	<۰/۰۰۱	-۲/۲۱	ناپایا

متغیرها	آزمون وابستگی مقطعی پسران (CD)			آزمون ریشه واحد پسران (CIPS)	
	آماره	احتمال	همبستگی	آماره	نتیجه در سطح معنی‌داری ۵ درصد
حاصل‌ضرب حکمرانی خوب و شاخص نابرابری جنسیتی	۷/۹۴	<۰/۰۰۱	۰/۰۷	-۲/۴۴	ناپایا
مخارج سلامت (درصدی از تولید ناخالص داخلی)	۱۴/۰۸	<۰/۰۰۱	۰/۱۲	-۰/۶۱	ناپایا
تولید ناخالص داخلی سرانه	۷۷/۴۸	<۰/۰۰۱	۰/۶۸	-۱/۷۲	ناپایا
شاخص باز بودن تجاری	۱۶/۹۹	<۰/۰۰۱	۰/۱۵	-۲/۲۷	ناپایا
نرخ تورم	۲۳/۸۶	<۰/۰۰۱	۰/۲۱	-۳/۳۷	پایا
نرخ شهرنشینی	۵۸/۲۵	<۰/۰۰۱	۰/۵۱	-۱/۳۴	ناپایا

مقادیر بحرانی آماره پسران با عرض از مبدأ و روند در سطح معنی‌داری ۰.۱ و ۱۰ درصد به ترتیب ۲/۷۳، ۲/۶۱ و ۲/۵۴- است.
منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به اینکه بعضی از متغیرها در سطح و بعضی در تفاضل مرتبه اول پایا شدند، استفاده از روش‌های برآورد هم‌جمعی مدل ضروری است. برای بررسی هم‌جمعی بین متغیرها با توجه به تأیید وابستگی مقطعی در مدل، از آزمون هم‌جمعی بوت‌استرپ وسترلوند استفاده و نتایج در جدول (۳) ارائه شد. با توجه به مقدار احتمال محاسبه‌شده در سطح معنی‌داری ۸ درصد می‌توان فرض عدم رابطه هم‌جمعی را رد و وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها را تأیید کرد.

جدول ۳. نتایج آزمون هم‌جمعی بوت‌استرپ وسترلوند

آماره	مقدار آماره	آماره Z	احتمال Robust
G_t	-۱/۷۳	۶/۶۷	۰/۰۸
G_a	-۴/۵۵	۸/۲۰	۰/۰۸
P_t	-۷/۵۹	۶/۸۹	۰/۰۴
P_a	-۲/۸۲	۶/۸۰	۰/۰۷

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به اینکه رابطه هم‌جمعی بین متغیرهای مدل تأیید شد؛ لذا تخمین متغیرهای مدل در سطح بدون نگرانی از وجود رگرسیون کاذب، قابل انجام است. برای برآورد مدل مطالعه ابتدا با استفاده از آزمون F لیمر نسبت به پانل و یا پولد بودن رگرسیون تصمیم‌گیری شد. مقدار آماره F لیمر برابر با ۸۱/۲۲ بود که با احتمال کمتر از ۰/۰۰۱ فرضیه صفر مبنی یکسان بودن عرض از مبدأ تمام مقاطع و یا پولد بودن رد شد و فرض مقابل یا عرض از مبدأهای متفاوت در مقاطع یا پانل دیتا تأیید شد. برای بررسی اثرات تصادفی و یا ثابت از آزمون هاسمن استفاده شد. نتایج نشان داد مقدار آماره کای‌دو برابر با ۱۹/۶۲ بود که با احتمال ۰/۰۱ فرضیه صفر مبنی بر اثرات تصادفی رد و مدل پانل با اثرات ثابت پذیرفته شد.

برای اطمینان از عدم تورش در نتایج و پایداری نتایج از آزمون‌های ولدريج برای خودهمبستگی و آزمون والد برای وجود ناهمسانی واریانس استفاده شد. مقدار آماره F در آزمون ولدريج $76/75$ بود که با احتمال کمتر از $0/001$ فرض صفر رد و خودهمبستگی مرتبه اول پذیرفته شد. همچنین آماره کای-دو آزمون والد با مقدار 2499 و احتمال کمتر از $0/001$ نشان داد ناهمسانی واریانس وجود دارد؛ بنابراین مدل مجدداً با رفع این موارد، با روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته با ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی برآورد شد و نتایج در جدول (۴) گزارش شد.

نتایج نشان داد حکمرانی خوب تأثیر مثبت و معنی‌داری به میزان $0/022$ بر شاخص توسعه انسانی دارد، اما نابرابری جنسیتی تأثیر منفی و معنی‌داری به میزان $-0/195$ بر شاخص توسعه انسانی داشت. همچنین حاصل‌ضرب شاخص حکمرانی خوب و نابرابری جنسیتی نیز تأثیر منفی به میزان $-0/082$ بر شاخص توسعه انسانی داشت که این میزان از تأثیر منفی نابرابری جنسیتی کمتر است. مخارج سلامت، تولید ناخالص داخلی سرانه، شاخص باز بودن تجاری و نرخ شهرنشینی تأثیر مثبت و نرخ تورم تأثیر منفی بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای نمونه داشتند.

جدول ۴. نتایج برآورد مدل تأثیر حکمرانی خوب و نابرابری جنسیتی بر شاخص توسعه انسانی

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال	فاصله اطمینان ۹۵٪
حکمرانی خوب	$0/022023$	$0/006779$	$3/25$	$0/001$	$0/035332$ - $0/008715$
شاخص نابرابری جنسیتی	$-0/1955$	$0/014706$	$-13/29$	$0/001$	$-0/22437$ - $-0/16663$
حاصل‌ضرب حکمرانی خوب و شاخص نابرابری جنسیتی	$-0/08273$	$0/016966$	$-4/88$	$0/001$	$-0/11604$ - $-0/04942$
مخارج سلامت (درصدی از تولید ناخالص داخلی)	$0/004722$	$0/001002$	$4/71$	$0/001$	$0/002754$ - $0/006689$
تولید ناخالص داخلی سرانه	$7/05-06$	$2/52E-07$	$28/02$	$0/001$	$6/55E-06$ - $7/54E-06$
شاخص باز بودن تجاری	$0/00013$	$3/56E-05$	$3/65$	$0/001$	$0/0002$ - $6E-05$
نرخ تورم	$-7/3E-05$	$4/96E-05$	$-1/46$	$0/143$	$-0/00017$ - $2/47E-05$
نرخ شهرنشینی	$0/002673$	$0/000177$	$15/09$	$0/001$	$0/002325$ - $0/003021$
جزء ثابت	$0/53841$	$0/01273$	$42/29$	$0/001$	$0/513419$ - $0/563401$

منبع: یافته‌های تحقیق

بحث

این مطالعه باهدف بررسی تأثیر حکمرانی خوب و نابرابری جنسیتی بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای با سطح توسعه انسانی بالا انجام شد. برای این هدف طبق مبانی نظری و پیشینه تحقیق مدل مربوطه تبیین و در بازه زمانی $2000-2020$ با روش پانل دیتا با برآوردگر حداقل مربعات تعمیم‌یافته برآورد شد. نتایج توصیفی نشان داد که میانگین شاخص توسعه انسانی در ایران بالاتر از میانگین جهانی و کشورهای با سطح توسعه انسانی بالا است که نشان از بهبود شاخص توسعه انسانی و شاخص‌های تشکیل‌دهنده آن

مانند شاخص‌های درآمد، آموزش و سلامت در ایران دارد؛ اما وضعیت ایران در شاخص برابری جنسیتی و شاخص حکمرانی خوب نسبت به میانگین کشورهای نمونه در سطح پایین‌تری قرار دارد؛ بنابراین می‌توان بیان کرد اگرچه وضعیت ایران نسبت به سایر کشورهای نمونه در شاخص‌های توسعه انسانی و شاخص‌های مرتبط آن مانند شاخص‌های درآمد، آموزش و سلامت بهتر است، اما در شاخص‌های حکمرانی خوب و نابرابری جنسیتی رتبه پایین‌تری را داراست و این بدین معنی است که ایران هنوز در سایر عوامل تأثیرگذار بر توسعه انسانی به‌خصوص نابرابری جنسیتی وضعیت مطلوبی ندارد.

شهرکی و قادری (۱۴۰۰) نشان دادند اگرچه ایران وضعیت بهتری در حوزه‌های سلامت، آموزش و تولید نسبت به سایر کشورها با HDI بالا دارد، اما با لحاظ نابرابری در این حوزه‌ها و محاسبه شاخص توسعه انسانی با تعدیل نابرابری، وضعیت ایران نسبت به سایر کشورها تنزل می‌یابد. بنابراین نابرابری در ابعاد توسعه انسانی در ایران نسبت به سایر کشورهای HDI بالا، بیشتر است. مطالعات پیشین نیز نابرابری در ابعاد دیگر به‌خصوص سلامت را بیان کردند (شهرکی و همکاران، ۱۴۰۱). سارکوزی و ادامز (۲۰۲۰) نیز تأثیر نابرابری در درآمد را بر هر سه بعد شاخص توسعه انسانی منفی ارزیابی کردند. اختلاف درآمد بر انتخاب فقرا در تمام ابعاد زندگی تأثیر می‌گذارد. به‌عنوان مثال، سطوح کم‌درآمد بر انتخاب غذای سالم و مغذی، دسترسی به فن‌آوری‌های انرژی مدرن، شیوه‌های کشاورزی پایدار، بهداشت، آموزش باکیفیت تأثیر می‌گذارد و این موارد بر توسعه انسانی تأثیر می‌گذارد.

نتایج برآورد مدل نشان داد حکمرانی خوب تأثیر مثبت بر شاخص توسعه انسانی دارد این نتیجه مورد انتظار بود و با نتایج مطالعات مچکووا و همکاران (۲۰۲۴)، استیلیانو و همکاران (۲۰۲۳)، اوما و ناندزجا (۲۰۱۹)، کسر و گوکمن (۲۰۱۸)، دیویس^۱ (۲۰۱۷) و ظهیری و همکاران (۱۴۰۱) همخوان بود. مچکووا و همکاران (۲۰۲۴) و برادا و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند حکمرانی خوب از طریق کاهش سطح فساد و منجر به بهبود توسعه انسانی می‌شود و سارکوزی و ادامز (۲۰۲۰) نیز نشان دادند که حکمرانی خوب در قالب یک سیستم سیاسی مساعد منجر به افزایش توسعه انسانی شود.

طبق مبانی نظری، حکمرانی خوب می‌تواند از طریق تمام شاخص‌های حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و نبود خشونت/ تروریسم، اثربخشی دولت، کیفیت تنظیم مقررات، شاخص حاکمیت قانون و کنترل فساد بر سطح توسعه انسانی کشورها تأثیرگذار باشد؛ لذا تقویت و بهبود هر یک از این شاخص‌ها می‌تواند ضمن بهبود حکمرانی و سرمایه‌های اجتماعی در جامعه منجر به بهبود توسعه انسانی شود. در نظریه حکمرانی خوب، ضمن پذیرش دخالت منطقی دولت، بر نقش تسهیل‌گری آن تأکید می‌شود و با رویکرد توسعه سیاسی و اجتماعی بر نقش مهم دولت برای تقویت نهادهای مدنی، آزادی‌های اجتماعی تأکید می‌شود. در حکمرانی خوب بر کاهش فقر، ایجاد اشتغال و رفاه، حفاظت از محیط‌زیست و توانمندسازی زنان تأکید می‌شود؛ لذا تحقق حکمرانی خوب تعامل و همکاری بین دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است که بتوان به اهداف توسعه پایدار دست‌یافت (رزمی و همکاران، ۱۳۹۴).

دولت‌ها با ایجاد و اجرای قوانین موردنیاز می‌توانند، امنیت و ثبات اقتصادی لازم برای یک محیط مناسب کسب‌وکار را فراهم نموده و با رفع مشکل عدم امنیت اقتصادی، زمینه مناسب برای افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی را فراهم آورند. این امر به‌نوبه خود می‌تواند موجب افزایش تولید و درآمد ملی سرانه و در نتیجه بهبود توسعه و رفاه جامعه شود؛ از سوی دیگر، مخارج زیربنایی دولت می‌تواند سبب گسترش امکانات سرمایه‌گذاری بخش خصوصی شده و تقاضا برای تولیدات بخش‌های دیگر را افزایش دهد، در نتیجه سرمایه‌گذاری خصوصی را تحریک و رشد و توسعه اقتصادی را تقویت نماید (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۳) که این مهم به‌نوبه خود می‌تواند با افزایش درآمد سرانه بر سطح توسعه جامعه تأثیر بگذارد. جامعه مدنی نیز مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی را فراهم کرده و آن‌ها را از طریق سازمان‌دهی در گروه‌های قدرتمند برای تأثیرگذاری بر توسعه تقویت می‌کند. چنانچه گروه‌های موجود در عرصه جامعه مدنی دارای توان، آگاهی و سازمان‌دهی مناسب باشند و در یک‌کلام، نهادهای جامعه مدنی از صلابت و قدرت زیادی در سطوح مختلف جامعه برخوردار باشند، فرآیند توسعه‌یافتگی در آن کشور، با کم‌ترین ناهنجاری و فساد و با موفقیت بیشتری همراه خواهد بود (رزمی و همکاران، ۱۳۹۴).

نتایج نشان داد که نابرابری جنسیتی تأثیر منفی و معنی‌داری بر شاخص توسعه انسانی دارد. هرچه نابرابری جنسیتی در جامعه زیاد شود یعنی سهم مردان و زنان در فرصت‌های مختلف آموزش، سلامت و درآمد با یکدیگر اختلاف زیادی داشته باشد، توسعه انسانی کاهش می‌یابد. این نتیجه هم‌راستا با مطالعات ویز و همکاران (۲۰۲۱) برای کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، شهرکی و همکاران (۱۴۰۱) برای کشورهای با درآمد متوسط و بالا، کولیپ و لانگ (۲۰۱۸) برای کشورهای اروپایی و کندی و همکاران (۲۰۲۰) برای کشورهای جنوب شرق آسیا است. نابرابری‌های جنسیتی مانع تولید ثروت، رشد اقتصادی و کاهش فقر می‌شود. با محدود کردن ظرفیت زنان، ظرفیت تولیدی و پتانسیل زنان در بخش‌های مختلف نیز به‌طور هم‌زمان محدود می‌شود و در نتیجه مشارکت‌های اقتصادی، سیاسی و مدنی آن‌ها نیز کم می‌شود. تداوم نابرابری‌های جنسیتی علاوه بر موارد بالا بر توزیع هزینه‌ها و منافع حاصل از ترتیبات اقتصادی، از جمله یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای و توافقت‌های نیز تجاری تأثیر می‌گذارد (فرانسیسکو، ۲۰۰۷).

نابرابری‌های جنسیتی همچنین از طریق شاخص‌های تشکیل‌دهنده توسعه انسانی مانند سلامت، آموزش و تولید بر وضعیت توسعه جوامع تأثیرگذار است. نابرابری‌های جنسیتی از بعد سلامت با کاهش امید به زندگی و افزایش نرخ مرگ‌ومیر کودکان منجر به کاهش وضعیت توسعه انسانی می‌شود. ویز و همکاران (۲۰۲۱) برای کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، شهرکی و همکاران (۱۴۰۰) برای کشورهای با درآمد متوسط و بالا و کولیپ و لانگ (۲۰۱۸) برای ۱۸ کشور اروپایی نشان دادند نابرابری جنسیتی منجر به کاهش امید به زندگی در جامعه می‌شود. مارتینا و همکاران (۲۰۱۶)، بریندا و همکاران (۲۰۱۵) برای کشورهای با درآمد کم و متوسط و شهرکی و همکاران (۱۴۰۰) برای کشورهای با درآمد متوسط و بالا نشان دادند که نابرابری جنسیتی منجر به افزایش مرگ‌ومیر نوزادان

و کودکان می‌شود. نابرابری جنسیتی در ابعاد دیگر سلامت نیز تأثیرگذار است که از این طریق نیز بر توسعه انسانی تأثیر می‌گذارد. کندی و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند زنان از نظر سلامت بارداری نیز وضعیت مناسبی ندارند و شاخص‌های کودک‌همسری، فرزندآوری و خشونت شریک جنسی بسیار زیاد است. هاینز و همکاران (۲۰۲۰) نیز بیان کردند نابرابری جنسیتی زیاد موجب افزایش چاقی و بیش‌وزنی، سیگار کشیدن، نوشیدن الکل و احساس استرس در مدرسه برای دختران نسبت به پسران شده است.

نابرابری‌های جنسیتی از بعد آموزش و تولید نیز منجر به کاهش وضعیت توسعه انسانی می‌شود. جیواناسای و همکاران (۲۰۲۳) نشان دادند نابرابری جنسیتی منجر به کاهش وضعیت آموزش و رشد اقتصادی می‌شود از این رو برابری جنسیتی منجر به افزایش بهره‌وری می‌شود. همچنین کندی و همکاران (۲۰۲۰) بیان کردند نسبت زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله به مردان در دسترسی به آموزش و استخدام بسیار کم‌تر است. یکی از راهکارهای کاهش نابرابری جنسیتی و به تبع افزایش توسعه انسانی، توانمندسازی زنان در ابعاد سیاسی اقتصادی و اجتماعی است. به طوری که مچکووا و همکاران (۲۰۲۴) نشان دادند برابری جنسیتی از طریق افزایش توانمندسازی سیاسی زنان تأثیر مثبت بر توسعه انسانی دارد.

برای بررسی این سؤال که آیا حکمرانی خوب می‌تواند اثرات منفی نابرابری جنسیتی را بر توسعه انسانی کاهش دهد؟ از شاخص حاصل ضرب حکمرانی خوب و نابرابری جنسیتی استفاده شد که بیانگر اثرات متقابل این دو شاخص بر توسعه انسانی است. نتایج نشان داد حاصل ضرب حکمرانی خوب و نابرابری جنسیتی تأثیر منفی به میزان $-0/082$ بر شاخص توسعه انسانی داشت که این میزان از تأثیر منفی نابرابری جنسیتی کمتر است. به عبارت دیگر حکمرانی خوب توانسته است مقداری از تأثیر منفی نابرابری جنسیتی بر توسعه انسانی را کاهش دهد. حکمرانی خوب نه تنها تأثیر منفی نابرابری جنسیتی را کاهش می‌دهد بلکه سارکوزی و ادامز (۲۰۲۰) نیز نشان دادند که حکمرانی خوب در قالب یک سیستم سیاسی مساعد می‌تواند اثرات منفی نابرابری درآمد را کاهش و منجر به افزایش توسعه انسانی شود. توسعه اقتصادی در قالب کاهش نابرابری درآمدی به عنوان دروازه‌ای برای بهبود سلامت و دانش و در نتیجه بهبود توسعه انسانی عمل می‌کند (سارکوزی و ادامز، ۲۰۲۰).

نتایج مطالعه نشان داد یکی از عوامل مؤثر بر توسعه انسانی، مخارج سلامت است که هم‌راستا با مطالعات هایل و نینو-زارازوا^۱ (۲۰۱۸)، بختیاری و همکاران (۱۳۹۳) و بارونی و همکاران (۱۳۹۳) برای ایران است. شهرکی و همکاران (۱۴۰۰) بیان کردند تأثیر مخارج سلامت عمومی بر وضعیت توسعه انسانی از طریق بهبود وضعیت دموکراسی، بیشتر خواهد بود. فرض اساسی این است که با آزادی‌های سیاسی بیشتر و راهکارهای برای آزادی بیان، چانه‌زنی بین گروه‌های اقتصادی-اجتماعی و سیاسی منجر به تخصیص بهتر منابع می‌شود؛ بنابراین با فرض ثبات سایر شرایط، در کشورهای با نهادهای دموکراتیک قوی‌تر و با وضعیت دموکراسی بالاتر مخارج سلامت عمومی بسیار کارا تر خواهد بود.

نتایج نشان داد تولید ناخالص داخلی سرانه تأثیر مثبت و معنی‌داری بر شاخص توسعه انسانی دارد. این نتیجه با مطالعات آسونگو و دیوپ (۲۰۲۳) برای کشورهای آفریقا، بختیاری و همکاران (۱۳۹۳) برای ایران، هایل و نینو-زارازوا (۲۰۱۸) برای کشورهای با درآمد متوسط و پایین هم‌خوان است. درآمد یک کشور عامل مهم در بهبود وضعیت سلامت و رفاه جامعه است. تولید و درآمد سرانه بالاتر، ارتقاء توسعه انسانی را از طریق بهبود وضعیت زندگی شامل دسترسی به آب آشامیدنی، مراقبت‌های سلامت و تغذیه مناسب موجب می‌شود همچنین درآمد سرانه بالاتر قدرت خرید بیشتر و سطح آموزش بالاتر را ایجاد می‌کند که می‌تواند به‌طور مستقیم کمیت و کیفیت مراقبت‌های بهداشتی و توسعه انسانی را بهبود بخشد (شهرکی و قادری، ۱۴۰۰). نویسندگان در این مطالعه با بعضی محدودیت‌ها مواجه بودند از جمله بعضی از کشورهای با شاخص توسعه انسانی بالا که اطلاعات متغیرهای مدل برای آن‌ها موجود نبود از مطالعه حذف شدند و بازه زمانی مطالعه نیز محدود به سال‌هایی شد که داده‌های مربوطه برای همه متغیرها وجود داشت.

نتیجه‌گیری

این مطالعه باهدف بررسی تأثیر نابرابری جنسیتی و حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای با سطح توسعه انسانی بالا انجام شد. نتایج توصیفی نشان داد میانگین شاخص توسعه انسانی در ایران بالاتر از میانگین جهانی و کشورهای با سطح توسعه انسانی بالا است که نشان از بهبود شاخص توسعه انسانی و شاخص‌های تشکیل‌دهنده آن مانند شاخص‌های درآمد، آموزش و سلامت در ایران دارد، اما وضعیت ایران در شاخص نابرابری جنسیتی و شاخص حکمرانی خوب نسبت به میانگین کشورهای نمونه در سطح پایین‌تری قرار دارد. نتایج برآورد مدل نشان داد حکمرانی خوب تأثیر مثبت بر شاخص توسعه انسانی دارد؛ بنابراین تقویت و بهبود حکمرانی می‌تواند در افزایش توسعه انسانی مؤثر باشد که در این راستا پیشنهاد می‌گردد دولت‌ها با ایجاد و اجرای قوانین موردنیاز امنیت و ثبات اقتصادی لازم برای یک محیط مناسب کسب‌وکار را فراهم نموده و با رفع مشکل عدم امنیت اقتصادی، زمینه مناسب برای افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی را نیز فراهم آورند. از طرفی تقویت جامعه مدنی با مشارکت مردم در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی زمینه‌ساز توسعه انسانی بالاتر خواهد بود؛ لذا پیشنهاد می‌گردد حکمرانی از طریق کاهش سطح فساد و یک سیستم سیاسی مساعد تقویت گردد.

نتایج همچنین نشان داد که نابرابری جنسیتی تأثیر منفی و معنی‌داری بر شاخص توسعه انسانی دارد؛ بنابراین نابرابری جنسیتی هنوز یک مانع عمده برای دستیابی به اهداف توسعه حتی در کشورهای با سطح توسعه انسانی بالا است؛ همچنین شاخص حاصل‌ضرب حکمرانی خوب و نابرابری جنسیتی که بیانگر اثرات متقابل این دو شاخص بر توسعه انسانی است، تأثیر منفی بر شاخص توسعه انسانی داشت که این میزان از تأثیر منفی نابرابری جنسیتی کمتر است. به‌عبارت‌دیگر حکمرانی خوب توانسته است مقداری از تأثیر منفی نابرابری جنسیتی بر توسعه انسانی را کاهش دهد؛ لذا سیاست‌هایی جهت کاهش نابرابری جنسیتی و بهبود حکمرانی خوب پیشنهاد می‌گردد. یکی از راهکارهای کاهش نابرابری جنسیتی و به‌تبع افزایش توسعه انسانی، توانمندسازی زنان در ابعاد سیاسی اقتصادی و اجتماعی است زیرا این توانمندسازی زنان منجر به

افزایش ظرفیت تولیدی زنان، مشارکت اقتصادی و تبع افزایش مشارکت سیاسی و مدنی زنان خواهد شد. در خصوص افزایش مشارکت و توانمندسازی زنان در ابعاد مختلف وجود یک حکمرانی خوب، فاقد فساد و دموکراتیک پیشنهاد می گردد. نتایج مطالعه نشان داد مخارج سلامت، تولید ناخالص داخلی سرانه، شاخص باز بودن تجاری و نرخ شهرنشینی تأثیر مثبت و نرخ تورم تأثیر منفی بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای نمونه داشت؛ بنابراین وجود دولت و مخارج آن برای بهبود توسعه انسانی به خاطر وجود شکست بازار و عدم تأمین بعضی از کالاها و خدمات توسط بخش خصوصی، نه تنها لازم است بلکه تقویت حکمرانی از طریق افزایش تولید، تجارت خارجی و کاهش نرخ تورم پیشنهاد می گردد.

سیاسگزاری: بدین وسیله از همه کسانی که در انجام این مقاله نقش داشته اند سپاسگزاری می شود.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد
مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده سازی مقاله مشارکت داشته اند.
تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.
تعهد کپی رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی رایت رعایت شده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- افشاری، زهرا و کاکاوند، سمیرا. (۱۳۹۵). اثر نابرابری جنسیتی بر رشد، بهره‌وری و باروری در ایران. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۴(۲)، ۳۳-۷.
- بارونی، محسن؛ هراتی خلیل‌آباد، تورج و هراتی، جواد. (۱۳۹۴). تاثیر مخارج بهداشتی (دولتی - خصوصی) بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای منتخب با سطوح درآمدی بالا، متوسط و پایین: ۲۰۱۰ - ۲۰۰۰. مدیریت بهداشت و درمان، ۶(۲)، ۸۱-۹۱.
- بختیاری، صادق؛ مویدفر، رزیتا و سرخوش سرا، علی. (۱۳۹۳). تحلیل تأثیر اجزاء مخارج دولتی بر توسعه و رفاه: مقایسه تطبیقی کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه. *اقتصاد و توسعه منطقه ای*، ۲۱(۸)، ۵۱-۲۳.
- بذرافکن، اشکان و قباشی، نسیم. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط میان شاخص حکمرانی خوب و اندازه دولت با شاخص توسعه انسانی در ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی*، ۵(۱۸)، ۷۶-۴۹.
- پورااحتشام، محمد. (۱۳۹۷). رابطه کیفیت حکمرانی با سلامت در کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا. *رفاه اجتماعی*، ۱۸(۶۹)، ۱۸۴-۱۵۹.
- حاتم، ناهید؛ سیاوشی، الهام؛ قربانی، محمد و یوسفی، علیرضا. (۱۳۹۶). ارتباط نابرابری جنسیتی و شاخص‌های مربوط به کودکان در کشورهای با سطوح درآمد مختلف: یک مطالعه اکولوژیک. *راهبردهای مدیریت در نظام سلامت*، ۲(۱)، ۵۶-۴۸.
- رزمی، محمدجواد؛ صدیقی، سمیه و رضاییان، سمانه. (۱۳۹۴). الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی. *اقتصاد توسعه و برنامه ریزی*، ۴(۲)، ۷۵-۵۱.
- سالاری، زینب و شهرکی، مهدی. (۱۴۰۳). اثرات متقابل توسعه مالی با سرمایه انسانی و کیفیت نهادی بر تخریب محیط‌زیست: روش هم‌جمعی پانلی. *تحلیل‌های اقتصادی توسعه ایران*، ۱۰(۱)، ۲۰۷-۲۲۶.
- سامتی، مرتضی؛ رنجبر، همایون و محسنی، فضیلت. (۱۳۹۰). تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN). پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱(۴)، ۲۲۳-۱۸۳.
- شهرکی، مهدی و قادری، سیمین. (۱۴۰۰). تأثیر مخارج سلامت عمومی و کیفیت دموکراسی بر رفاه اجتماعی در کشورهای با شاخص توسعه انسانی بالا. *رفاه اجتماعی*، ۲۱(۸۲)، ۴۳-۹.
- شهرکی، مهدی؛ عباسیان، مجتبی و صفدری، مهدی. (۱۴۰۱). تأثیر نابرابری جنسیتی و حکمرانی خوب بر وضعیت سلامت: شواهدی از کشورهای با درآمد متوسط و بالا. *تحقیقات سلامت در جامعه*، ۸(۲)، ۶۲-۵۰.
- شهبازی سارا؛ تاجور، مریم؛ خالدیان، زینب؛ یکانی نژاد، میرسعید و درگاهی، حسین. (۱۳۹۹). ارتباط بین نابرابری جنسیتی و شادکامی در استان‌های ایران: یک مطالعه اکولوژیک. *مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی*، ۱۸(۴)، ۴۱۶-۴۰۳.
- ظهیری، مناحی؛ زاینده رودی، محسن و جلابی، سید عبدالمجید. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر ابعاد حکمرانی خوب بر شاخص توسعه پایدار ایران. *پژوهشنامه اقتصاد کلان*، ۱۵(۳۰)، ۲۳۱-۲۱۰.

قادری، سیمین و شهرکی، مهدی. (۱۴۰۰). تأثیر مخارج نظامی بر وضعیت سلامت در کشورهای خاورمیانه: شواهدی از هم‌جمعی پانلی با وابستگی. پژوهش سلامت، ۶ (۳)، ۲۳۸-۲۲۶.
 مکیان، سید نظام‌الدین و بی‌باک، مزده. (۱۳۹۴). تأثیر حکمرانی خوب بر توسعه انسانی: یک تحلیل بین‌کشوری. فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، ۳۰ (۹)، ۱۴۷-۱۳۱.

References

Adeneye, Y. B; Jaaffar, A. H; Ooi, C. A; & Ooi, S. K. (2021). Nexus between carbon emissions, energy consumption, urbanization and economic growth in Asia: Evidence from common correlated effects mean group estimator (CCEMG). *Frontiers in Energy Research*, 8, 610577.

Afshari, Z; & Kakavand, S. (2016). The impact of gender inequality on growth, fertility, and labor productivity in Iran. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 14(2), 7-33. (In Persian).

Jeevanasai, S. A; Saole, P; Rath, A. G; Singh, S; Rai, S; & Kumar, M. (2023). Shades & shines of gender equality with respect to sustainable development goals (SDGs): The environmental performance perspectives. *Total Environment Research Themes*, 8, 100082.

Asongu, S. A; Diop, S; & Nnanna, J. (2023). Human Development and Governance in Africa: Do Good Fences Make Good Neighbors?. *World Affairs*, 186(1), 169-189.

Bakhtiari, S; Moayed Far, R; & Sarkhosh Sara, A. (2015). Analysis of the Impacts of Government Expenditure Components on the Development and welfare: Comparative Analysis of Selected Developed and Developing Countries. *Journal Of Economics and Regional Development*, 21(8), 23-51. (In Persian).

Barouni, M; Harati Khalilabad, T; & Harati, J. (2015). The Effect of Health Expenditure on Human Development Index in Selected Countries with High, Middle and Low Income Levels: 2000-2010. *Journal of Healthcare Management (Journal of Health System)*, 6(2), 81-91. (In Persian).

Bazrafkan, A; & Ghobashi, N. (2019). Investigating the relationship between good governance index and government size with human development index in Iran. *Journal of Economic Strategy*, 5(18), 49-76. (In Persian).

Brada, J. C; Drabek, Z; Mendez, J. A; & Perez, M. F. (2019). National levels of corruption and foreign direct investment. *Journal of Comparative Economics*, 47(1), 31-49.

Brinda, E. M; Rajkumar, A. P; & Enemark, U. (2015). Association between gender inequality index and child mortality rates: a cross-national study of 138 countries. *BMC public health*, 15, 1-6.

Damette, O; & Marques, A. C. (2019). Renewable energy drivers: a panel cointegration approach. *Applied Economics*, 51(26), 2793-2806.

Davis, T. J. (2017). Good governance as a foundation for sustainable human development in sub-Saharan Africa. *Third World Quarterly*, 38(3), 636-654.

Francisco, J. S. (2007). Gender inequality, poverty and human development in South East Asia. *Development*, 50(2), 103-114.

Ghaderi, S; & Shahraki, M. (2021). The Impact of Military Expenditures on Health Indices in the Middle East; Evidence of Cross-Sectional Panel Convergence. *Health Research Journal*, 6(3), 226-238. (In Persian).

Gök, G. O; & Gök, M. Ş. (2023). An empirical Assessment of gender inequality in Human Development: evidence from G20 Countries. *Society*, 60(4), 566-579.

Haile, F; & Niño-Zarazúa, M. (2018). Does social spending improve welfare in low-income and middle-income countries?. *Journal of International Development*, 30(3), 367-398.

Hatam, N; Siavashi, E; Ghorbani, M; & Yusefi, A. (2017). The Relationship between gender inequality index and indicators related to children in countries with different income levels: An Ecologic Study. *Management Strategies in Health System*, 2(1), 48-56. (In Persian).

Heinz, A; Catunda, C; van Duin, C; Torsheim, T; & Willems, H. (2020). Patterns of health-related gender inequalities—A cluster analysis of 45 countries. *Journal of Adolescent Health*, 66(6), S29-S39.

Iqbal, N; Gkiouleka, A; Milner, A; Montag, D; & Gallo, V. (2018). Girls' hidden penalty: analysis of gender inequality in child mortality with data from 195 countries. *BMJ global health*, 3(5).

Kennedy, E; Binder, G; Humphries-Waa, K; Tidhar, T; Cini, K; Comrie-Thomson, L; & Azzopardi, P. (2020). Gender inequalities in health and wellbeing across the first two decades of life: an analysis of 40 low-income and middle-income countries in the Asia-Pacific region. *The Lancet Global Health*, 8(12), e1473-e1488.

Keser, A; & Gökmen, Y. (2018). Governance and Human Development: The Impacts of Governance Indicators on Human Development. *Journal of Public Administration and Governance*, 8(1), 26.

Kolip, P; & Lange, C. (2018). Gender inequality and the gender gap in life expectancy in the European Union. *European Journal of Public Health*, 28(5), 869-872.

Makiyan, S. N; Taherpour, E; & Zangiabadi, P. (2016). Health expenditure & life-expectancy in Islamic countries: A panel data approach. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 30(9), 131-147. (In Persian).

Marphatia, A. A; Cole, T. J; Grijalva-Eternod, C; & Wells, J. C. K. (2016). Associations of gender inequality with child malnutrition and mortality across 96 countries. *Global health, epidemiology and genomics*, 1, e6.

Mechkova, V; Dahlum, S; & Petrarca, C. S. (2024). Women's political representation, good governance and human development. *Governance*, 37(1), 19-38.

Ouma, D. O; & Nadzanja, T. (2019). Fiscal policy, governance and human development in the common market for eastern and southern Africa. *African Journal of Governance and Development*, 8(1), 71-89.

Pesaran, M. H. (2007). A simple panel unit root test in the presence of cross-section dependence. *Journal of Applied Econometrics*, 22(2), 265-312.

Purehtesham, M. (2018). Studying the effect of governance quality on health indicators in the countries of South-Western Asia. *Social Welfare Quarterly*, 18(69), 184-159. (In Persian).

Salari, Z; & Shahraki, M. (2024). The Interaction Effects of Financial Development with Human Capital and Institutional Quality on Environmental Degradation: Panel Cointegration Approach. *Iranian Economic Development Analyses*, 10(1), 207-226. (In Persian).

Sameti, M; Ranjbar, H; & Mohseni, F. (2012). The Effect of Good Governance Indicators on Human Development Index: the Case of ASEAN Countries. *Economic Growth and Development Research*, 1(4), 223-183. (In Persian).

Sarkodie, S. A; & Adams, S. (2020). Electricity access, human development index, governance and income inequality in Sub-Saharan Africa. *Energy Reports*, 6, 455-466.

Shahbazi, S; Tajvar, M; Khaledian, Z; Yekaninejad, M. S; & Dargahi, H. (2021). The Relationship between Gender Inequality and Happiness in Iran's Provinces: An Ecological Study. *Scientific Journal of School of Public Health and Institute of Public Health Research*, 18(4), 403-416. (In Persian).

Shahraki, M; & Ghaderi, S. (2020). Inequality in distribution of physician and general practitioner in Sistan and Baluchestan province, Iran (2009-2017). *Health Monitor Journal of the Iranian Institute for Health Sciences Research*, 19(2), 177-186. (In Persian).

Shahraki, M; & Ghaderi, D. (2021). The Relationship Between Public Health Expenditures and the Quality of Democracy on Social Welfare in Countries with High Human Development Index. *Social Welfare*, 21(82), 9-43. (In Persian).

Shahraki, M; Abbasian, M; & Safdari, M. (2022). The Impact of Gender Inequality and Good Governance on Health Status: Evidence from Upper-middle-income Countries. *Journal of Health Research in Community*, 8(2), 50-62. (In Persian).

Stylianou, T; Nasir, R; & Waqas, M. (2023). Inclusive human development and governance nexus: causality analysis of selected Asian countries. *Economies*, 11(3), 97.

United Nations Development Programme. (2024a). Gender Inequality Index (GII).

United Nations Development Programme. (2024b). Human Development Data Center.

United Nations. (2023). Human Development Report. Retrieved from <https://hdr.undp.org/towards-hdr-2022>

Veas, C; Crispi, F; & Cuadrado, C. (2021). Association between gender inequality and population-level health outcomes: Panel data analysis of organization for Economic Co-operation and Development (OECD) countries. *EClinicalMedicine*, 39.

World Bank. (2023). The worldwide governance indicators. Retrieved from <http://info.worldbank.org/governance/wgi/Home/Reports>

World Bank. (2024). World Bank Indicators. Retrieved from <https://data.worldbank.org/>

World Economic Forum. (2021). Global Gender Gap Report.

Zahiri, M; Zayanderoodi, M; & Jalaie, S. A. (2021). Investigating the Effect of Good Governance on sustainable development of selected countries (OPEC Plus Oil countries group). *The Journal of Economic Studies and Policies*, 15(30), 210-231. (In Persian).

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.

